



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰

شماره پیاپی ۲۳ (صفحات ۹۸-۷۵)



مفهوم و مرجع احراز «منافع عدالت» در دیوان بین‌المللی کیفری در پرتو وضعیت افغانستان

دکتر صادق سلیمی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۷

چکیده

در دیوان بین‌المللی کیفری، علاوه بر احراز صلاحیت و قابلیت پذیرش، مطابق ماده ۵۳ اساس‌نامه تعقیب کیفری و تحقیق نباید برخلاف «منافع عدالت» باشد. اصل بر این است که تعقیب و تحقیق در جهت منافع عدالت است؛ مگر اینکه با توجه به شدت جنایت ارتكابی، منافع بزه‌دیدگان و وضعیت متهم خلاف آن ثابت شود. در اپریل ۲۰۱۹ شعبه دوم پیش‌رسیدگی دیوان، ضمن پذیرش جنایات ارتكابی و احراز صلاحیت و قابلیت پذیرش دیوان، در تصمیمی چالش برانگیز درخواست دادستان در خصوص جنایات ارتكابی در افغانستان را در جهت منافع عدالت ندانست و آن را رد کرد. شعبه تجدیدنظر در ۵ مارچ ۲۰۲۰ رای مزبور را نقض و مجوز تعقیب و تحقیق صادر کرد. پرسش اصلی در این مقاله این است که مفهوم منافع عدالت و مرجع تشخیص آن کدام است؟ شعبه تجدیدنظر احراز «خلاف منافع عدالت» بودن را منحصراً در حیطة اختیارات دادستان دانست این در حالیست که در سیاست دفتر دادستانی و پنج مورد که قبلاً در شعب پیش‌محاکمه مطرح شده، نظارت قضایی بر این امر همواره از اختیارات شعب پیش‌محاکمه تلقی شده بود. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیده‌ایم که شعبه دوم پیش‌محاکمه با در نظر گرفتن احتمال بی‌نتیجه ماندن تعقیب کیفری نیروهای نظامی و امنیتی آمریکا و افغانستان تحت تاثیر ملاحظات فراحقوقی «مصلحت‌اندیشی» نمود لیکن شعبه تجدیدنظر اجرای عدالت و تساوی همگان در برابر دادگاه را برگزید.

واژگان کلیدی: منافع عدالت، شعبه پیش‌محاکمه، دیوان بین‌المللی کیفری، منافع بزه‌دیدگان، قابلیت

پذیرش

مقدمه

دیوان بین‌المللی کیفری (زین پس «دیوان») هرگز به منظور داشتن صلاحیتی عام و مطلق که تمامی جرایم بین‌المللی را تعقیب کند، تأسیس نشده است. تدوین‌کنندگان اساس‌نامه به نیکی می‌دانستند که امکان تعقیب تمامی موارد و مصادیق ارتكابی، حتی چهار عنوان جنایتی که در صلاحیت دیوان است، وجود ندارد. به همین جهت، به طرق مختلف تلاش شده است تا اعمال صلاحیت دیوان به مهم‌ترین موارد محدود شود. از یک سو، دیوان ذاتاً مبتنی بر اساس‌نامه‌ای است که ماهیت یک معاهده چند جانبه را دارد. بنابراین، اصولاً فقط دول عضو متعهد به ایفای تعهدات ناشی از آن هستند و جنایاتی که در سرزمین دول عضو یا توسط اتباع آنان ارتکاب یابد، قابل رسیدگی در دیوان هستند. از سوی دیگر صلاحیت موضوعی دیوان، صرفاً شامل چهار جنایت مهم یعنی جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی، جنایت جنگی و تجاوز که در ماده ۵ اساس‌نامه احصاء شده‌اند، می‌شود. از دیگر سو، صلاحیت تکمیلی دیوان اقتضا دارد که اولویت در رسیدگی با محاکم ملی باشد و فقط در مواردی که دول عضو مایل یا قادر به تعقیب نباشند، دیوان وارد رسیدگی شود. با جمع این شرایط دادستان باید قابلیت پذیرش وضعیت یا قضیه را مطابق ماده ۱۷ اساس‌نامه احراز کند. با جمع تمام این شرایط سپس با در نظر گرفتن و احراز شدت جنایات ارتكابی شروع به رسیدگی می‌کند؛ مشروط به اینکه این امر به ضرر منافع عدالت نباشد. به عبارت دیگر، با جمع تمامی شرایط صلاحیت موضوعی، صلاحیت تکمیلی، صلاحیت زمانی، قابلیت پذیرش و شدت جنایت ارتكابی ممکن است دادستان - یا شاید شعبه پیش‌محاکمه^۱ - تعقیب کیفری و رسیدگی را در جهت منافع عدالت تشخیص ندهد. از این رو درک این مفهوم، امر مهمی تلقی می‌شود. در سال ۲۰۱۹ بعد از این که پس از یک دهه جمع‌آوری دلایل، دادستان از شعبه پیش‌محاکمه صدور مجوز تحقیق در افغانستان را درخواست کرد، شعبه پیش‌محاکمه با پذیرش تمام شرایط و ارتكاب جنایات مشمول صلاحیت دیوان در افغانستان و همچنین شدت جرایم و قابلیت پذیرش آن، این امر را در جهت منافع عدالت ندانست و درخواست دادستان را رد کرد و در مارچ^۲ ۲۰۲۰ شعبه تجدیدنظر

۱. واژه Pre-trial در اغلب متون فارسی «مقدماتی» ترجمه شده است در حالی که به نظر می‌رسد «پیش‌محاکمه» یا «پیش‌رسیدگی» ترجمه دقیق‌تری هست. زیرا از حیث لغوی در برابر «مقدماتی» واژگانی همچون Introductory یا Preliminary در زبان انگلیسی وجود دارد و از نظر ماهوی این شعبه پیش از برگزاری محاکمه در شعبه رسیدگی یا محاکمه Trial Chamber پرونده را مورد بررسی قرار می‌دهد و در صورت تایید اتهامات پرونده به شعب رسیدگی ارسال می‌شود.

۲. در این نوشتار مبنای معادل سازی ماههای میلادی، زبان انگلیسی هست؛ لذا در برابر April اپریل و در برابر March مارچ و ... قرار داده شده است.



این رای را نقض کرد. لذا بررسی مفهوم منافع عدالت اهمیت خود را نشان داد. در وضعیت افغانستان مفهوم و کاربرد «منافع عدالت» برای اولین بار مورد تجزیه و تحلیل قضایی قرار گرفت. مطابق ماده ۱۵ اساس نامه، دادستان رأساً می‌تواند تحقیقاتی را شروع نماید. بر اساس بند ۳ این ماده چنانچه دلایل و مبنای منطقی برای تحقیق وجود داشته باشد، کلیه مدارک و مستندات را به شعبه پیش‌محاکمه تقدیم و درخواست مجوز رسیدگی می‌کند. مطابق بند ۴ ماده ۱۵ چنانچه شعبه پیش‌محاکمه بر اساس درخواست دادستان و مدارک پیوست قضیه را در صلاحیت دیوان بداند و به این نتیجه برسد که مبنای منطقی برای انجام تحقیقات وجود دارد، اجازه شروع تحقیقات را صادر می‌کند. این مجوز مانع از تصمیم‌گیری‌های بعدی دیوان در خصوص صلاحیت و قابلیت پذیرش قضیه نیست.

ماده ۵۳ اساس نامه دیوان، به امر «شروع به تحقیق» اختصاص یافته است. «منافع عدالت» نیز در این ماده بیان شده است. بند ۱ ماده ۵۳ به شروع انجام تحقیقات مربوط می‌شود. اگر دادستان با مبنای منطقی اذعان شود که جنایتی در صلاحیت دیوان ارتکاب یافته است و مطابق ماده ۱۷ قابل پذیرش هست، باید با در نظر گرفتن شدت جنایت و منافع بزه‌دیدگان در خصوص شروع تحقیق تصمیم‌گیری کند.

دادستان در این تصمیم‌گیری، باید به دلایل اساسی که این تحقیقات به ضرر منافع عدالت نیست، توجه کند. بند ۲ ماده ۵۳ به شروع «تعقیب» مربوط می‌شود. بر اساس تحقیقات انجام شده دادستان ممکن است با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه شامل شدت جنایت، منافع بزه‌دیدگان و سن یا ناتوانی مرتکب ادعایی و نقش او در جنایت ارتكابی، نتیجه‌گیری کند که اقدام بیشتر در جهت منافع عدالت نیست. بررسی منافع عدالت زمانی مصداق پیدا می‌کند که هم صلاحیت و هم قابلیت پذیرش احراز شده باشد. در حالی که دو مورد صلاحیت و قابلیت پذیرش پیش‌شرط‌های اثباتی هستند، لیکن شرط منافع عدالت جنبه سلبی دارد. بدین معنی که ممکن است در اثنای پروسه رسیدگی منافع عدالت اقتضا کند که اقدامات متوقف گردد و ادامه نیابد؛ هر چند که دو شرط مزبور وجود داشته باشند. این امر اهمیت زیادی دارد؛ برای اینکه دادستان موقع تحقیق یا تعقیب ملزم به احراز منافع عدالت نیست بلکه او تحقیقات یا تعقیب خود را انجام می‌دهد مگر اینکه اوضاع و احوال خاصی دلایل مهمی را پیش آورند تا او به این اعتقاد برسد که انجام تحقیق به نفع عدالت نیست. (The Office of the Prosecutor, 2007; 2-3)

برای پی بردن به مفهوم منافع عدالت باید معنی عادی کلمات به کار رفته در پرتو متن و اهداف اساس نامه را بررسی نمود. در این خصوص دیباچه اساس نامه مرجع خوبی می‌تواند باشد. بند ۴ دیباچه تأکید می‌کند که دول عضو مصمم هستند تا به بی‌کیفری مرتکبین جدی‌ترین جنایات

مرتبط به جامعه بین‌المللی پایان دهند و بنابراین در پیشگیری از آن مشارکت کنند. آخرین بند دیباچه به عزم دولت‌ها مبنی بر تضمین احترام مستمر به عدالت بین‌المللی و اجرای آن تأکید می‌کند. بنابراین، پیشگیری از جنایات شدید و تضمین احترام مستمر به عدالت بین‌المللی ممکن است نقطه عطفی در ارزیابی منافع عدالت باشد. (The Office of the Prosecutor, 2007; 4)

در خصوص مفهوم «منافع عدالت» در پرتو آرای دیوان به زبان فارسی منابع محدودی وجود دارد. در این نوشتار در صدد هستیم با استناد به اسناد دیوان به ویژه آرای صادره مشخص کنیم که مفهوم و کاربرد «منافع عدالت» با توجه به آرای صادره در وضعیت افغانستان چیست و چه مرجعی صلاحیت احراز آن را دارد؟ برای پاسخ به این سوالات مباحث را با بیان مفهوم منافع عدالت از طریق تحلیل آرای صادره در وضعیت افغانستان پی می‌گیریم. نظر به اینکه اساساً مفهوم منافع عدالت، فاقد سابقه چالش قضایی خصوصاً در سطح شعبه تجدیدنظر بوده و برای احراز آن پیش شرطها و معیارهایی وجود دارد لذا قبل از تبیین آرای صادره ناچار از مطالعه این پیش شرطها و معیارها در اسناد مختلف دیوان هستیم. بنابراین، ابتدا مختصری به وضعیت افغانستان و درخواست دادستان جهت شروع تحقیقات اشاره می‌کنیم. آنگاه به پیش شرطهای ورود به «منافع عدالت» یعنی صلاحیت و قابلیت پذیرش اشاره می‌کنیم. سپس معیارهای احراز منافع عدالت را بررسی می‌کنیم تا در نهایت آرای صادره از شعب پیش محاکمه و تجدیدنظر با این معیارها قابل تحلیل باشند.

۱. وضعیت افغانستان و تفاسیر متضاد شعب پیش محاکمه و تجدیدنظر

در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷ دادستان درخواست مجوز تحقیق در خصوص جنایات ادعایی در سرزمین افغانستان از اول می ۲۰۰۳ {تاریخ عضویت افغانستان} همچنین جنایات ارتكابی ادعایی در سرزمین سایر دول عضو از اول جولای ۲۰۰۲ را تقدیم شعبه پیش محاکمه نمود. (Prosecutor's Request, 2017; 1)

درخواست دادستان طیف‌های مختلفی از نیروهای نظامی و شبه نظامی فعال در افغانستان و مرتبط با افغانستان را متهم نموده و درخواست تعقیب کیفری داشت. نظر به اینکه موقعیت و مختصات مرتکبین جنایات بین‌المللی قطعاً در تصمیم‌گیری شعبه پیش محاکمه تأثیر داشت، لذا ضرورت دارد به متهمین بالقوه این وضعیت اشاره شود. به‌طور خلاصه این گروه‌ها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- طالبان و گروه‌های وابسته به آن به اتهام جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی (Prosecutor's Request, 2017; paras 72 & 123)؛ ۲- نیروهای امنیت ملی افغانستان به اتهام جنایات جنگی (Prosecutor's Request, 2017; para 161)؛ و ۳- نیروهای مسلح ایالات



متحده آمریکا و آژانس اطلاعات مرکزی آن (سیا) به اتهام جنایات جنگی. (Prosecutor's Request, 2017; para 187)

با توجه به اینکه در این وضعیت، نه تنها شبه نظامیان افغانی بلکه خود نیروهای نظامی افغانستان از یکسو و نیروهای خارجی به ویژه نیروهای نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده از سوی دیگر تحت تعقیب کیفری قرار می گیرند، لذا واکنش های جدی و عدم همکاری افراد و ارگان های ذی نفع امری بدیهی و مانعی جدی در راه دیوان می باشد. سیاستمداران و اربابان قدرت تابع موازین حقوقی و عدالت نیستند؛ لذا دولت مردان ایالات متحده از همان ابتدای طرح مسئله توسط دادستان دیوان، به واکنش های تندی علیه دادستان و خود دیوان دست زدند. با طرح درخواست صدور مجوز توسط دادستان دیوان بین المللی کیفری و قبل از تصمیم گیری شعبه پیش محاکمه، ایالات متحده ویزای دادستان دیوان خانم فاتو بنسودا را لغو کرد. تلاش خانم بنسودا برای تعقیب کیفری مرتکبین جنایات جنگی در افغانستان از جمله نیروهای نظامی و امنیتی ایالات متحده و در پی آن لغو ویزای وی توسط ایالات متحده و تهدیدات انجام شده، تیتزر رسانه ها و روزنامه های معروف از جمله نیویورک تایمز در تاریخ ۵ اپریل ۲۰۱۹ شد.^۱

به هر حال این اولین موردی است که دیوان بین المللی کیفری در صدد تعقیب جنایاتی است که مرتکبین آن آمریکایی هستند. نه تنها در دیوان، بلکه در هیچ دادگاه بین المللی دیگری چنین امری سابقه ندارد. آمریکایی ها همواره با تلاش های مختلف سعی نموده اند با فشار بر دیوان جلوی تعقیب کیفری شهروندان خود در این دیوان را بگیرند و این امر را تهدید حاکمیت آمریکا و منافع ملی خود قلمداد می کنند. در سال ۲۰۱۸ جان بولتن مشاور امنیت ملی وقت آمریکا، دیوان را نامشروع خواند؛ وی حتی پا را از این فراتر گذاشته و تهدید کرد که دیوان را به فنا و نابودی می کشاند (Bolton, 2018).

سال گذشته ۲۰۱۹ پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا رسماً تهدید کرد که هر کسی به تحقیق و تعقیب علیه شهروندان آمریکایی بپردازد، ویزایش را باطل می کنند. از سوی دیگر بیشتر سازمان های حقوق بشری و حقوقدانان اقدام آمریکا را ناقض حاکمیت قانون دانسته و تصمیم دیوان برای تعقیب جنایت کاران بین المللی هر چند آمریکایی را گامی در جهت حاکمیت قانون و احقاق حقوق هزاران بزه دیده و تلاش برای پاسخ گو نمودن صاحبان قدرت دانستند؛ به ویژه در شرایطی که دادگاه های ملی و مقامات ملی نتوانسته اند احقاق حق کنند. جمیل داکوار^۲ مدیر پروژه حقوق بشری

1. See: Marlise Simons and Megan Specia, U.S Revokes Visa of I.C.C Prosecutor Pursuing Afghan War Crimes, New York Times, April 5, 2019, <https://www.nytimes.com/2019/04/05/world/europe/us-icc-prosecutor-afghanistan.html>

2. Jamil Dakwar

اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا تأکید می‌کند که دولت‌ها باید بطور کامل با تحقیقات دیوان همراهی و همکاری کنند و نباید هیچ‌گونه اعمال قدرت جهت تخریب و ناکام ماندن این تحقیقات بکار بندند. شه‌رزاد اکبر رئیس کمیسیون حقوق بشری مستقل افغانستان نیز گفت که دیوان تصمیم درستی اتخاذ کرده است ما از بزه‌دیدگان - صرف‌نظر از وابستگی گروهی مرتکبین خواه آمریکایی باشند یا طالبان یا نیروهای افغانستان - دفاع خواهیم کرد (Peltier and Faizi, 2020).

در ۱۲ اپریل ۲۰۱۹ شعبه دوم پیش‌محاكمه دیوان درخواست دادستان دایر بر مجوز انجام تحقیقات در وضعیت افغانستان را رد کرد (ICC-02/17-33,2019). این تصمیم و نقض آن توسط شعبه تجدیدنظر در ۵ مارچ ۲۰۲۰ علاوه بر مفهوم منافع عدالت، از این حیث شایان توجه است که اساساً شعبه پیش‌محاكمه مجاز به ورود به این مبحث می‌باشد یا صرفاً این امر از اختیارات دادستان است. قبل از ورود به بحث باید پیش‌شرط‌ها و معیارهای احراز «خلاف منافع عدالت بودن» را بررسی کنیم.

۱.۱.۱. پیش‌شرط‌های ورود به مبحث «منافع عدالت»

دادستان دیوان، پس ارزیابی اولیه وضعیت ارجاعی به دیوان، باید متقاعد شود که مبنای معقولی برای مداخله دیوان وجود دارد (زکری و بابایی، ۱۳۹۴: ۹۲). قبل از اینکه دادستان بتواند وارد مبحث منافع عدالت شود، باید جوانب مختلف صلاحیت دیوان و قابلیت پذیرش قضیه مورد بررسی و احراز شوند.

۱.۱.۱.۱. صلاحیت

اولین اقدامی که هر مرجع قضایی باید انجام دهد، احراز صلاحیت خود برای رسیدگی است. صلاحیت موضوعی، صلاحیت شخصی، صلاحیت زمانی و صلاحیت تکمیلی هرکدام از یک جهت دامنه صلاحیت دیوان را محدود می‌کنند. وقتی وضعیتی نزد دادستان مطرح می‌شود، «دادستان دیوان برای تصمیم‌گیری در خصوص تعقیب کردن یا نکردن آن وضعیت، می‌بایست مبنای معقولی را برای انجام تحقیق و تعقیب بدست آورد. در راستای رسیدن به این امر، سه مرحله را باید پشت سر گذاشت: در گام اول، دیوان به مسائل صلاحیتی، یعنی صلاحیت موضوعی، زمانی و شخصی می‌پردازد و در صورتی که وضعیت مورد نظر از صافی صلاحیت عبور کند، نوبت به گام بعدی می‌رسد.» (کیتیچایساری، ۱۳۸۷: ۵۴).

منظور از صلاحیت موضوعی، این است که دیوان فقط صلاحیت رسیدگی به چهار جنایت مندرج در ماده ۵ اساس‌نامه - نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز - را دارد.

مواد ۲۵ الی ۲۷ اساسنامه صلاحیت شخصی دیوان را بیان می‌کنند. به موجب این مواد، دیوان فقط صلاحیت رسیدگی به جنایات ارتكابی اشخاص حقیقی که در حین ارتكاب جرم ۱۸ سال کامل داشته باشند، را دارد و موقعیت رسمی اشخاص تأثیری در مسوولیت کیفری آنان نزد دیوان ندارد (عدم مصونیت سران و کارگزاران).^۱

محدودیت دیگر دیوان صلاحیت تکمیلی است. «به موجب بند ۱ ماده ۱۷ در صورتی که موضوع مطروح در دیوان، در محاکم ملی کشور صالحی تحت رسیدگی باشد یا قبلاً رسیدگی و حکم مقتضی صادر شده باشد، دیوان مجاز به رسیدگی به آن موضوع نمی‌باشد. با این حال، اگر دولت مورد نظر قادر یا مایل با انجام تحقیق و محاکمه نباشد، یا قصد برگزاری محاکمه صوری و نمایشی به منظور رهانیدن متهم یا متهمان از مسوولیت را داشته باشد، یا رسیدگی بیطرفانه نباشد، دیوان می‌تواند با احراز مراتب فوق، اقدام به رسیدگی کند.» (سلیمی، ۱۳۹۷: ۴۹) صلاحیت تکمیلی دیوان عمدتاً در مرحله قابلیت پذیرش مطرح می‌شود. دیوان پس از بررسی تمامی جوانب صلاحیت به شرح فوق و احراز صلاحیت خود، باید قابلیت پذیرش وضعیت و قضیه مورد نظر را نیز احراز کند.

۲.۱.۱. قابلیت پذیرش

به موجب زیربند ۱ ماده ۱۷ اساسنامه، برای اینکه دیوان به تعقیب جنایات مشمول صلاحیت خود اقدام کند و آنرا قابل پذیرش بداند، باید علاوه بر احراز ارتكاب جنایات چهارگانه مشمول صلاحیت خود، احراز کند که آنها از شدت کافی برخوردار هستند تا اقدام بیشتری را توجیه کند.

در مقام تصمیم‌گیری درخصوص اینکه وضعیت از شدت کافی برخوردار است دفتر دادستانی گسترده‌گی جنایات، ماهیت جنایات، شیوه ارتكاب آن و همچنین آثار آن جنایات را بررسی می‌کند. بنابراین دادستان قبل از اینکه بخواهد بررسی کند که مانعی در جهت منافع عدالت بودن یا نبودن اقدام وی وجود دارد یا خیر، باید ابتدائاً و ضرورتاً درخصوص قابلیت پذیرش وضعیت به نتیجه مثبتی رسیده باشد که جنایت ارتكابی از شدت کافی برخوردار هست. (The Office of the Prosecutor, 2007; 5) در خصوص مصادیق و نحوه احراز قابلیت پذیرش، «می‌توان به سه عاملی

۱. در خصوص عدم مصونیت سران دولتها و عملکرد دیوان در این خصوص بنگ: امامیان، معصومه و ستار عزیز، چالش حقوقی اجرای قاعده عدم مصونیت سران دولتها نزد دیوان کیفری بین‌المللی: با تأکید بر پرونده عمرالبشیر، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۹، ش ۱۳۹۷، ۱۸، صص ۱۰۲-۸۱.

رسید که به قابل پذیرش شدن موضوع در دیوان کیفری بین‌المللی می‌انجامد؛ یعنی عدم اقدام، ناتوانی و عدم تمایل دولت صلاحیت‌دار» (خالقی و مظاهری، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

«در این مرحله که قابلیت پذیرش (Admissibility) نام دارد، دیوان از دو جنبه وضعیت را بررسی خواهد کرد: اول، از حیث صلاحیت تکمیلی (Complementary): به این مفهوم که آیا وضعیت موردنظر از سوی کشور صالح تعقیب شده است یا خیر و در این صورت آیا کشور موردنظر تمایل به رسیدگی دارد و یا اینکه قادر به رسیدگی است یا خیر (شبت، ۱۳۸۴: ۲۲۱). دوم، از حیث داشتن شدت کافی یا آستانه شدت؛ به این مفهوم که قضیه موردنظر برای اینکه از سوی دیوان پذیرفته شود، باید دارای درجه‌ای از شدت باشد که دخالت دیوان را توجیه کند» (صابر، ۱۳۸۸: ۸۸). «بر اساس بند ۱ (د) ماده ۱۷ اساسنامه دیوان، اگر موضوع چنان اهمیت و شدتی نداشته باشد که اقدام دیگری از سوی دیوان را توجیه کند، قضیه غیرقابل پذیرش است. همچنین، برابر بند ۱ (ج) و ۲ (ج) ماده ۵۳ اساسنامه، گاهی با وجود اهمیت و شدت جرم و منافع بزه‌دیدگان، دلایل مقتضی وجود دارد که شروع به تحقیق در راستای اجرای عدالت نیست.» (صابر، ۱۳۹۴: ۶۳۳).

برخی از نویسندگان نبود معیارهای مشخص در خصوص آستانه شدت را ضعف دیوان تلقی و مورد نقد قرار داده‌اند: «نارسایی مقررات دیوان در تعریف جامع و مانع از معیار شدت و مؤلفه‌های ارزیابی آن از نقاط ضعف دیوان به شمار می‌آید تا جایی که با وجود تعیین معیارهای ارزیابی شدت در اسناد و رویه دیوان، ابهام و پیچیدگی اجرای این قاعده موجب دوگانگی رویکرد دیوان نسبت به عناصر ارزیابی آن شده است: ۱- رویکردی که با تمرکز بر «نفس جنایات و دیدگاه قربانیان» در مرحله «انتخاب پرونده» آستانه شدت را بر پایه مولفه‌های گسترده، ماهیت، شیوه ارتکاب و تاثیر جرم ارزیابی می‌کند: ۲- رویکردی که با تمرکز به «مرتکب جرم و ویژگی‌های آن» در فرآیند مرحله «پذیرش وضعیت» علاوه بر مولفه‌های مذکور، وجود عنصر «رتبه یا نقش مرتکب» را نیز در ارزیابی معیار شدت لازم می‌داند.» (بابایی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۳) البته دیوان در رسیدگی‌های خود اغلب هر دو جنبه فوق را همزمان در نظر گرفته است.^۱

بنابراین، عامل شدت همواره کلیدی‌ترین رکن در تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی بود تا آنجا که حتی دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در تعریف جنایات جنگی، مفهوم شدت را به عنوان امری تعیین‌کننده به حساب آورده است (DeGuzman, 2012; 12-14) حال با گذر از این دو پیش شرط، باید دید دیوان چه معیارهایی را برای احراز مغایرت با منافع عدالت به کار می‌برد.

۱. بنگ: صادق سلیمی، ۱۳۹۸، عوامل تشدید مجازات دز آرای دیوان بین‌المللی کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره شانزدهم، شماره ۱۸، پاییز-زمستان ۱۳۹۸: صص ۱۶۹-۱۹۸.

۲.۱. معیارهای احراز (مغایرت با) منافع عدالت

مفهوم منافع عدالت بنا به ابهام ذاتی که در آن نهفته است، از ابتدا موجب نگرانی‌هایی در خصوص سیاسی شدن یا عملکرد غیرشفاف دادستانی شده است. اختیار اعلام خلاف منافع عدالت بودن تعقیب یا تحقیق در یک وضعیت، قطعاً به معنی بی‌ضابطه و دلخواهی بودن نیست. «به نظر می‌رسد که تعهد به تعقیب و مجازات در جرایم بین‌المللی منافاتی با تحقق منافع عدالت در معنای موسعش طبق ماده ۵۳ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری نداشته باشد. ماده ۵۳ اساس‌نامه دیوان با ملاحظه‌ی تعهد به تعقیب تدوین شده است. مبنای تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری اجرای عدالت کیفری و تحقق این تعهد بین‌المللی است. با این وجود در برخی اوضاع و احوال، شرایط ایجاب می‌نماید که از اجرای این تعهد صرف‌نظر شود. حتی اگر منافع عدالت را در اینجا محدود به معنای کیفری آن نماییم، باز هم طبق این ماده، دادستان اجازه یافته است که به لحاظ سنگینی جرم، سن متهم و یا میزان مشارکت وی در جرم ارتكابی از تعقیب وی صرف‌نظر نماید. پس در این معنای محدود هم از نظر این عده بین منافع عدالت و تعهد به تعقیب تعارض پیش می‌آید. در واقع جواب حل این تعارض در قلمرو زمانی متفاوت این دو قاعده است. ارزیابی دادستان از تحقق منافع عدالت زمانی مطرح می‌گردد که چنین تعهدی برای تعقیب و مجازات وجود داشته باشد. تا زمانی که تعهدی به تعقیب و مجازات وجود نداشته باشد، دادستان مکلف به رسیدگی نیست» (سبحانی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

در تفسیر عبارت منافع عدالت در این ماده با توجه به اصول تفسیر معاهدات آنچه که در وهله اول می‌تواند راهنمای تفسیر باشد، معنای عادی واژه‌های به کار گرفته شده در سیاق یک معاهده است. از واژه عدالت معانی مختلفی به ذهن متبادر می‌شود، اما آنچه که در وهله اول در اساس‌نامه یک محکمه کیفری می‌توان از واژه عدالت استنباط نمود، معنای کیفری عدالت است که در یک محکمه کیفری قابل تحقق است، چنین تفسیری از معنای عدالت در بند دوم ماده ۵۳- که به در نظر گرفتن منافع عدالت در حین تعقیب از سوی دادستان اشاره دارد - به نظر مطابق با سیاق ماده است. مصادیقی که در این ماده در راستای تحقق منافع عدالت مورد اشاره قرار گرفته‌اند، از جمله شدت جرم، سن متهم و نقش وی در جرم ارتكابی ... می‌توانند موید این تفسیر باشند. (Gavron, 2002: 110)

جهت تشخیص خلاف منافع عدالت بودن تحقیق، در ماده ۵۳ اساس‌نامه به ضوابطی اشاره شده^۱ و دفتر دادستانی دستور کاری در این خصوص تنظیم کرده است که مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. ماده ۵۳ اساس‌نامه: شروع تحقیق

۱.۲.۱. منافع بزه‌دیدگان

یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های اساس‌نامه دیوان و قواعد دادرسی و ادله آن نقش مهمی است که به بزه‌دیدگان داده شده است. برای اولین بار در تاریخ عدالت بین‌المللی کیفری بزه‌دیدگان مطابق اساس‌نامه حق حضور و ابراز نظرات و دغدغه‌های خود را به دیوان پیدا کردند. ماده ۵۳ اساس‌نامه دادستان را ملزم می‌کند که قبل از شروع هرگونه تحقیق یا تعقیبی منافع بزه‌دیدگان را در نظر بگیرد؛ البته احراز منافع بزه‌دیدگان در خصوص شروع رسیدگی امر بسیار پیچیده و دشواری است. در حالی که از سیاق زیربند ج بند ۱ ماده ۵۳ اساس‌نامه اینگونه استنباط می‌شود که منافع بزه‌دیدگان عموماً از طریق تعقیب و همسو با آن برآورده می‌شود، ولی دفتر دادستانی باید به نظرات طرفین مربوطه گوش کند. از نظر دفتر دادستانی هدف اصلی از احترام به نظرات بزه‌دیدگان از طریق امکان مشارکت آنان در جریان رسیدگی دیوان نیز توجه به نظرات احتمالاً متفاوت آنان می‌باشد. دفتر دادستانی باید نقطه نظرات مختلف بزه‌دیدگان و جوامع آنها را در نظر بگیرد. از نظر دفتر دادستانی منافع بزه‌دیدگان شامل نفع بزه‌دیدگان در مشاهده اجرای عدالت هست؛ ولی این منافع همچنین شامل منافع اساسی مانند حمایت از بزه‌دیدگان به نحوی که در اساس‌نامه پیش‌بینی شده می‌شود. بند ۱ ماده ۶۸ اساس‌نامه تعهدی را به کل دیوان شامل دفتر دادستانی ایجاد می‌کند که اقدامات مقتضی جهت محافظت از سلامتی، امنیت جسمانی و روانی، کرامت و حریم خصوصی بزه‌دیدگان و شهود اتخاذ کند. زیربند ب بند ۱ ماده ۵۴ اساس‌نامه دادستان را ملزم می‌کند که به منافع و شرایط و اوضاع و احوال فردی بزه‌دیدگان و شهود در انجام تحقیقات توجه می‌کند. (The Office of the Prosecutor, 2007; 5)

در کنفرانس رم که منجر به تصویب اساسنامه شد، در نسخه اولیه فقط به منافع بزه‌دیدگان اشاره شده بود شدت جرم و وضعیت مرتکب بعداً اضافه شد. در خصوص منافع بزه‌دیدگان ملاحظات اقتصادی جسمانی و روانشناسی بزه‌دیدگان باید مورد توجه قرار گیرند. هم عواملی که موجب تشویق آنان می‌شوند و هم عوامل یاس یا انصراف از احقاق حق باید سنجیده شود. برای مثال

دادستان پس از ارزیابی اطلاعاتی که در اختیارش قرار گرفته است، تحقیقات را شروع خواهد کرد مگر اینکه مطابق این اساسنامه تشخیص دهد که مبنای منطقی برای اقدام وجود ندارد. جهت اتخاذ تصمیم در خصوص اقدام یا عدم اقدام دادستان موارد زیر را بررسی خواهد کرد.

الف) اطلاعاتی که در دسترس وی قرار گرفته مبنای منطقی برای ارتکاب جنایات تحت صلاحیت دیوان تشکیل می‌دهند یا خیر؟

ب) مطابق ماده 17 قضایه مورد نظر قابل پذیرش هست یا خیر

ج) با در نظر گرفتن شدت جرم و منافع بزه‌دیدگان، دلایل متقنی وجود دارند که انجام تحقیقات منافع عدالت را تامین نمی‌کند...

رسیدگی ممکن است اثر منفی بر روی سلامت جسمانی یا روانی بزه‌دیده داشته باشد. (Webb, 2005; 329-330).

دفتر دادستانی در تلاش برای احراز منافع بزه‌دیدگان علاوه بر گفت‌وگو با خود بزه‌دیدگان، با نمایندگان جوامع محلی نیز وارد گفت‌وگو می‌شود. مورد اخیر می‌تواند شامل رهبران محلی (مذهبی، سیاسی، قومی) نمایندگان سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و داخلی دولتی و غیردولتی باشد. (The Office of the Prosecutor, 2007; 6)

برای مثال در اوگاندا دفتر دادستانی بیش از بیست و پنج هیئت را جهت استماع دغدغه‌ها و نظرات بزه‌دیدگان و نمایندگان جوامع محلی به اوگاندا گسیل نمود. همچنین ضمن همکاری با واحد بزه‌دیدگان و شهود، دبیرخانه دفتر دادستانی در صدد تدارک اقدامات حمایتی برای بزه‌دیدگان و شهود بالقوه بوده است. همینطور در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو چندین هیئت نمایندگی به کینشاسا^۱ و ایتوری^۲ گسیل شدند تا با گروه‌های جامعه مدنی و نمایندگان بزه‌دیدگان به منظور درک دغدغه‌های جوامع محلی گفت‌وگو کنند. از سال ۲۰۰۳ چندین همایش در لاهه با دعوت از سازمان‌ها و نمایندگان بزه‌دیدگان برگزار شد. (The Office of the Prosecutor, 2007; 6)

«عدالت مورد نظر اساس نامه برخلاف عدالت کیفری سنتی، صرفاً ناظر بر احراز تقصیر بزهکار و احیاناً اصلاح وی نیست؛ بلکه عدالت مفهوم عامی دارد و شامل منافع بزه‌دیدگان نیز می‌شود.» (ساعدی و صادقی، ۱۳۹۷: ۲۸۱) در هر حال، امروزه بزه‌دیده به عنوان متضرر اصلی از ارتکاب عمل مجرمانه در کانون توجه جرم‌شناسان است و منافع بزه‌دیده همواره باید در نظر گرفته شود.

۱.۲.۲. اوضاع و احوال خاص متهم

زیربند ج از بند ۲ ماده ۵۳ اساس‌نامه دادستان را ملزم می‌کند که برای احراز «در جهت منافع عدالت نبودن» به تمام اوضاع و احوال از جمله سن یا ناتوانی متهم و نقش او در جرم اتهامی توجه کند. در این خصوص دادسرا خود را ملزم به در نظر گرفتن سطح و رده متهم در سلسله مراتب نظامی و میزان نقش جدی و فاحش او در جنایات ارتكابی، می‌داند. نقش متهم در ارتکاب کلی جنایات و درجه درگیر شدن او در ارتکاب جرم شامل ارتکاب بالمباشره یا صدور دستور و یا مشارکت غیرمستقیم می‌شود. با این حال، این احتمال وجود دارد که هر چند شخصی دارای بالاترین مسئولیت باشد، ولی تعقیب به نفع عدالت نباشد. اگر دیوان بخواهد به احترام مستمر به

1. Kinshasa
2. Ituri

اجرای عدالت بین‌المللی پای‌بند باشد، باید منافع متهم را در نظر بگیرد. اغلب نظام‌های کیفری نیز قبل از تصمیم به تعقیب متهم، وضعیت وی را در نظر می‌گیرند. برای مثال تعقیب متهمی که به بیماری لاعلاج مبتلا است که خود با نقض فاحش حقوق بشر مورد سواستفاده قرار گرفته است، ممکن است در جهت منافع عدالت نباشد. این نکته، هم در محاکم ملی و هم در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی خاص مورد توجه واقع شده است. (The Office of the Prosecutor, 2007; 7) به هر حال، متهم که عامل وقوع پدیده مجرمانه است، جزء مهمی از پروسه کیفری است و اجرای عدالت در نهایت علیه وی صورت می‌گیرد لذا نمی‌توان وی را نادیده گرفت.

برخی از نویسندگان کاربرد اصلی ماده ۵۳ اساس‌نامه را در خصوص وضع قانون عفو و بخشودگی عمومی دانسته‌اند به این صورت که وقتی چنین قانون ملی وضع می‌شود دادستان دیوان نیز به اسناد ماده ۵۳ تعقیب متهمین را در جهت تامین منافع عدالت تلقی نکنند. (Kayitana, 2018: 179) برخی دیگر با این دیدگاه مخالفت نموده و ابراز داشته‌اند: «در اساس نامه دیوان به عفو داخلی و کمیسیونهای حقیقت‌اشاره‌ای نشده است و بنابراین وجود مقررات عفو و کمیسیونهای حقیقت نمی‌تواند مانع اعمال صلاحیت دادستان برای تعقیب کیفری باشد.» (ساعدی و صادقی، ۱۳۹۷: ۲۸۷) البته قطعاً قانون عفو عمومی ملی، مانع از اعمال صلاحیت دادستان نیست؛ کما اینکه سایر موارد مانند وضعیت مرتکب به تنهایی مانع از اعمال صلاحیت دادستان نیستند. با این حال به نظر می‌رسد دادستان می‌تواند در کنار سایر عوامل به این مورد توجه نموده و اگر وضعیت را به ضرر فرایند آشتی ملی و عفو مجرمین ببیند، اقدامات خویش را متوقف کند.

۱.۲.۳. صلح و امنیت جهانی

دیوان با این فرض تأسیس شد که عدالت جزء اساسی صلح پایدار است. در دیباچه اساس‌نامه تأکید شده است که ارتکاب جنایات مشمول صلاحیت دیوان صلح، امنیت و رفاه جهانی را تهدید می‌کند. دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد که عدالت، صلح و دموکراسی اهدافی معارض هم ندارند؛ بلکه بیشتر همدیگر را تقویت می‌کنند. مهم‌ترین پیشرفت جامعه بین‌المللی در سال‌های اخیر در خصوص تلاش دراز مدت آن برای توسعه عدالت و حاکمیت قانون، همانا تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری بوده است.^۱ مفهوم منافع عدالت که در اساس‌نامه آمده، ضرورتاً گسترده‌تر از مفهوم مضیق عدالت جنایی است و باید مطابق با اهداف و مرام‌های اساس‌نامه تفسیر شود. البته آن نباید به قدری گسترده تعبیر شود که تمام موارد مربوط به صلح و امنیت را دربر بگیرد. (The

1. See Report of the Secretary general on the Rule of Law and Transitional Justice, 23rd August, 2004, S/2004/616, introduction and para 49 respectively.



Office of the Prosecutor, 2007; 8) در وضعیت‌هایی که دیوان به آن می‌پردازد راه حل‌های جامع مربوط به عناصر بشر دوستانه، امنیتی، سیاسی، توسعه و عدالت همه مورد توجه قرار می‌گیرند؛ ولی دفتر دادستانی در صدد اقدام سازنده در رابطه با وظیفه اصلی خود که همانا تعقیب رسالت قضایی خود بطور مستقل است خواهد بود. (The Office of the Prosecutor, 2007; 8)

اساس‌نامه مطابق ماده ۱۶ به شورای امنیت اجازه داده است که در خصوص مواردی که از نظر شورای امنیت، تعقیب یا تحقیق دیوان به صلح و امنیت بین‌المللی خدشه وارد کند، با صدور قطع‌نامه اقدامات دیوان را به مدت دوازده ماه معلق نماید. دفتر دادستانی مسائل مربوط به پیشگیری از جرم و امنیت را در خصوص مفهوم منافع عدالت بررسی خواهد کرد و ممکن است بین این ملاحظات و مسئله مربوط به حمایت از بزه‌دیدگان و شهود به موجب ماده ۶۸ اصطکاک حاصل شود. با این حال، وظیفه اصلی پرداختن به مسئله صلح و امنیت بین‌المللی مسئولیت دادستان نیست و به ارگان‌های دیگری مربوط می‌شود. با در نظر گرفتن اهداف اصلی دیوان که پایان دادن به بی‌کیفری و بدون مجازات نمودن جدی‌ترین جنایات بین‌المللی است، تصمیم به عدم اقدام بخاطر منافع عدالت باید صرفاً به‌عنوان آخرین حربه تلقی شود. به هر حال باید توجه داشت که تصمیم به عدم اقدام بخاطر منافع عدالت در هر حال ممکن است مطابق بند ۴ ماده ۵۳ اساس‌نامه به استناد وقایع یا اطلاعات جدید مورد بازنگری قرار بگیرد. (The Office of the Prosecutor, 2007; 9)

برخی نویسندگان موارد تصویب و اجرای قانون عفو عمومی را در مورد خاتمه دادن به یک شورش عمومی، عفو به منظور حفظ صلح و ثبات پس از یک جریان گذار به دموکراسی نوپا و شکننده و همچنین به منظور تغییر رژیم یا نظام سیاسی حاکم، از مواردی عنوان کرده‌اند که اقدامات تحقیقی یا تعقیبی دادستان منافع عدالت را تامین نمی‌کند. (Kayitana, 2018: 180)

182 قطعاً در مواردی ممکن است تحقیق کیفری در یک وضعیت یا تعقیب کیفری برخی شورشیان یا دولتمردان ذی‌نفوذ فرایند آشتی ملی را با چالش مواجه کند ولی این امر نباید دستاویزی برای فرار مجرمان از چنگال عدالت و گسترش بی‌کیفرمانی شود. گرچه در بند اول ماده ۵۳ اساس‌نامه دیوان، به مصادیق و دلایل تحقق منافع عدالت اشاره‌ای نشده است، اما یک سازوکار سنتی اجرای عدالت و یا یک کمیسیون حقیقت‌یاب می‌تواند حسب مورد دادستان را در تحقق منافع عدالت به اقناع برساند (O'Brien, 2005: 271). حتی در بند دوم ماده ۵۳ نیز با توجه به تمثیلی بودن مصادیق مذکور در ماده، راه برای این تفسیر باز است که در حین تعقیب نیز دادستان می‌تواند بنا به ملاحظات غیرکیفری به این نتیجه برسد که تعقیب در راستای تحقق منافع عدالت نیست (Dukic, 2007: 697).

در وضعیت افغانستان، هم برداشت و تفسیر شعبه پیش محاکمه از مفهوم و کاربرد مغایر با منافع عدالت بی سابقه بود و هم در تعارضی ۱۸۰ درجه‌ای رای شعبه تجدیدنظر در این خصوص بی سابقه هست.

۱.۳. رأی شعبه پیش محاکمه و ایرادات وارد بر آن

شعبه دوم پیش محاکمه ضمن اذعان به اینکه تمام شرایط مرتبط با احراز صلاحیت و قابلیت پذیرش شامل ارتکاب جنایات مشمول صلاحیت دیوان، آستانه شدت و وسعت جنایات ارتكابی وجود دارند و این موارد محرز است؛ لیکن انجام تحقیقات در وضعیت افغانستان را بخاطر بی نتیجه بودن این اقدامات در جهت منافع عدالت ندانست.

شعبه پیش محاکمه در خصوص احراز صلاحیت تکمیلی دیوان، به فقدان اقدامات تعقیبی یا تحقیقی جدی از سوی مراجع قضایی افغانستان و ایالات متحده صحنه گذاشت. این شعبه «در جهت منافع عدالت بودن» را امری ایجابی تلقی و احراز آن یا نظارت بر احراز صحیح آن را از اختیارات خود تلقی کرد. (ICC-02/19, 2019; paras 33,66,79 & 86) در خصوص بی نتیجه بودن تحقیق و همسو نبودن با منافع عدالت شعبه به: ۱- مدت زمان طولانی که از زمان ارتکاب جنایات تا زمان درخواست دادستان سپری شده؛ ۲- فقدان همکاری با دادستان حتی در جمع‌آوری اطلاعات و ۳- احتمال ضعیف دسترسی به ادله ارتکاب جرم و دسترسی به مظنونین بالقوه جهت پیشبرد تحقیقات دادستان استناد نمود و به این نتیجه رسید که انجام تحقیقات وقتی عقیم و بی نتیجه بماند اهداف تعقیب نیز برآورده نمی‌شود. (ICC-02/19, 2019; paras 90-91)

برخی به درستی نقد کرده‌اند که شعبه پیش محاکمه تفسیر موسعی از مفهوم مبهم منافع عدالت بدست داد. با این تفسیر علی رغم اینکه خود شعبه پیش محاکمه شدت جنایات ارتكابی را تایید نمود و منافع بزه‌دیدگان را نیز صدها بزه‌دیده و نماینده‌هایشان در تعقیب کیفری دانستند، ولی شعبه پیش محاکمه با تمسک به منافع عدالت درخواست دادستان را رد کرد. (Ambos, 2019)

برخی از نویسندگان با انتقاد از این تصمیم شعبه پیش محاکمه، آن را تفسیر نادرست از منافع عدالت تحت تاثیر ملاحظات فراحقوقی قلمداد کردند و این امر را موجب زوال مشروعیت دیوان دانستند. (Vasiliev, 2019) آنچه مسلم است تصمیم شعبه پیش محاکمه فاقد مقبولیت برای عموم حقوقدانان بین‌المللی کیفری بود.

شعبه پیش محاکمه با ترکیب‌های متفاوت از قضات، همواره تطبیق عملکرد دادستان با ماده ۵۳ را از اختیارات خود تلقی کرده و تاکنون در هر پنج تصمیم در خصوص صدور مجوز تحقیقات به

موجب بند ۴ ماده ۱۵ اساس نامه، تمام عوامل مندرج در بند ۱ ماده ۵۳ اساس نامه شامل ارزیابی دادستان از منافع عدالت به موجب زیربند ج بند ۱ ماده ۵۳ اساس نامه را مورد بررسی قرار داده‌اند. (ICC-02/17-138, 2020; para 24) وضعیت جمهوری کنیا اولین موردی بود که شعبه پیش محاکمه مجوز تحقیقات به دادستانی صادر نمود و نظرش را در خصوص رابطه بین بند ۴ ماده ۱۵ و بند ۱ ماده ۵۳ اساس نامه توضیح داد. از نظر شعبه مزبور باید دقیقاً همان چارچوبی که بر اساس آن دادستان به این نتیجه رسیده است که مبنایی برای تحقیقات وجود دارد، در شعبه بررسی و مبنا قرار گیرد. (ICC-01/09-19-Corr, 2010; para. 24) شعبه مزبور در استدلال خود به سه دلیل استناد می‌کند: ۱- تشابه شروط مندرج در بند ۳ و بند ۴ ماده ۱۵ و بند ۱ ماده ۵۳ اساس نامه در خصوص احراز مبنای منطقی برای اقدام بیشتر؛ ۲- توجه به سابقه تدوین اساس نامه که بر رابطه بین مواد ۱۵ و ۵۳ تاکید می‌کند؛ و ۳- هدف ماده ۱۵ در مورد اینکه به شعبه پیش محاکمه یک نقش نظارتی بر ابتکار عمل دادستان در شروع به انجام تحقیقات را قائل است. (ICC-01/09-19-Corr, 2010; paras. 21-24) سایر شعب پیش محاکمه همان رویه را در تصمیمات بعدی خود دنبال نمودند.^۱

دادستان از دو جهت و به دو دلیل از تصمیم شعبه پیش محاکمه تجدیدنظرخواهی نمود: اول اینکه ادعا کرد شعبه پیش محاکمه در اینکه احراز منافع عدالت را یک امر ایجابی تلقی کند، مرتکب اشتباه شده است. (the 'Prosecutor's Appeal Brief, 2019, Paras 12-59). در نکته و مطلب دوم دادستان مدعی شد که شعبه پیش محاکمه در صلاح دید خود در خصوص ارزیابی منافع عدالت سوءاستفاده کرده است. (Prosecutor's Appeal Brief, 2019; paras 60-167) دادستان در لایحه خود ابراز می‌دارد که بند ۴ ماده ۱۵ و زیربند ج بند ۱ ماده ۵۳ اساس نامه اقتضا دارد شعبه پیش محاکمه تصمیم بگیرد که آیا این شعبه با نظر دادستان دایر بر اینکه هیچ گونه دلایل اساسی وجود ندارند که تحقیق بر خلاف منافع عدالت باشند موافق هست یا نه. (Prosecutor's Appeal)

1. See: Situation in the Republic of Côte d'Ivoire, Pre-Trial Chamber III, Corrigendum to "Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorisation of an Investigation into the Situation in the Republic of Côte d'Ivoire", 15 November 2011, ICC-02/11-14-Corr, paras 16-18, 207-208; Situation in Georgia, Pre-Trial Chamber I, Decision on the Prosecutor's request for authorization of an investigation, 27 January 2016, ICC-01/15-12, paras 4-5, 58; Situation in the Republic of Burundi, Pre-Trial Chamber III, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Burundi, ICC-01/17-X-9-US-Exp, 25 October 2017; a public redacted version was registered on 9 November 2017 (ICC-01/17-9-Red), paras 28, 190; Situation in the People's Republic of Bangladesh/Republic of the Union of Myanmar, Pre-Trial Chamber III, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorisation of an Investigation into the Situation in the People's Republic of Bangladesh/Republic of the Union of Myanmar, 14 November 2019, ICC-01/19-27, paras 119, 127.

18 (Brief, para. 18) دادستان معتقد است که شعبه پیش رسیدگی باید ارزیابی خود از منافع عدالت را به چارچوب ارزیابی که دادستان عملاً انجام داده است، محدود کند. اگر درخواست دادستان برای صدور مجوز به اوضاع و احوال خاصی که منجر به نتیجه‌گیری منفی در خصوص منافع عدالت می‌شد نپرداخته باشد، ولی شعبه پیش محاکمه آن را به عنوان امری بدیهی و بین ملاحظه کند، در این صورت شعبه باید مورد را به دادستان اعاده کند تا دادستان اطلاعات تکمیلی در خصوص ارزیابی منافع عدالت ابراز نماید. (Prosecutor's Appeal Brief, para. 37) چنانچه دلایلی نباشد که اثبات کند انجام تحقیقات به نفع منافع عدالت نیست، شعبه پیش محاکمه باید به ارزیابی دادستان به موجب زیربند ج بند ۱ ماده ۵۳ اساس‌نامه رضایت دهد و مجوز تحقیقات صادر کند. (Prosecutor's Appeal Brief, para. 59) بنابراین دادستان اصل این موضوع را که شعبه پیش محاکمه می‌تواند در بررسی خود به عامل منافع عدالت توجه کند، می‌پذیرد؛ لیکن شیوه‌ای را که شعبه پیش محاکمه این عامل را در این قضیه بررسی کرده است نادرست می‌داند. برعکس بزه‌دیدگان و نمایندگان حقوقی آنها معتقدند که شعبه پیش محاکمه اصلاً نباید وارد بحث منافع عدالت بشود. (LRV 1 Appeal Brief, Para. 107; LRV 2 and LRV 3 Appeal Brief, paras 55, 59; OPCV Submissions, para. 39; Cross-border Victims' Submissions, para. 21; Queen's University Belfast Human Rights Centre (Submissions, paras 3-4).

شعبه پیش محاکمه در تصمیم‌گیری خود اظهار داشت که این شعبه باید بر اساس اطلاعاتی که توسط دادستان در اختیارش قرار گرفته است، بررسی کند که آیا شرایط مقرر در زیربندهای الف تا ج بند ۱ ماده ۵۳ اساس‌نامه فراهم شده‌اند یا خیر. (ICC-02/17-33 12-04-2019 EK PT para. 30)

به نظر می‌رسد که تصمیم‌گیری شعبه پیش محاکمه صرفاً ناشی از ملاحظات حقوقی نبود؛ بلکه متأسفانه تحت تاثیر ملاحظات فراحقوقی نیز بوده است. زیرا صرف‌نظر از اینکه شعبه پیش محاکمه می‌بایست در چارچوب درخواست و استدلال دادستان بررسی خود را انجام یا می‌تواند به مواردی خارج از آن بپردازد، شعبه در استناد به منافع عدالت هیچ‌گونه استدلالی برای اثبات صدمه به منافع عدالت نمی‌کند و عملاً امری عدمی و سلبی را به امری ایجابی و اثباتی تبدیل و تعبیر می‌کند. به عبارت دیگر، بجای اینکه فرض بر عدم خلل به منافع عدالت با انجام هر تحقیق کیفری گرفته شود، فرض بر این شده است که در هر مورد تامین منافع عدالت باید احراز و اثبات شود. البته به شرح آتی شعبه تجدیدنظر موضع کاملاً متفاوتی دارد.

۴.۱. استدلال شعبه تجدیدنظر و تحول در مفهوم و مرجع احراز منافع عدالت

شعبه تجدیدنظر در تحلیل و تفسیر خود به فلسفه وضع و صورت مذاکرات تدوین اساسنامه اهمیت ویژه‌ای قائل شد. «در طول تدوین اساسنامه، مواد ۱۵ و ۵۳ بحث‌های طولانی را به خود اختصاص دادند و متن نهایی توازن ظریفی در خصوص اختیار مصلحتی دادستان در مورد شروع تحقیقات و میزان نظارت شعبه پیش‌محاكمه بر این اختیارات را انعکاس می‌دهد.» (Bergsmo, Pejić, and (D. Zhu, 2015; 726-9

از نظر شعبه تجدیدنظر، شعبه پیش‌محاكمه در تفسیر بند ۴ ماده ۱۵ اساسنامه وقتی خود را ملزم به ارزیابی عوامل مندرج در بند ۱ ماده ۵۳ دانست، دچار اشتباه شد. ماده ۱۵ در بخش دوم اساسنامه تحت عنوان «صلاحیت، قابلیت پذیرش و حقوق قابل اجرا» درج شده است. ماده ۱۵ مبتنی بر ماده ۱۳ است که در سه وضعیت اعمال صلاحیت دیوان در خصوص جنایات مندرج در ماده ۵ را تجویز می‌کند: ۱- وضعیتی که توسط یک دولت عضو مطابق ماده ۱۴ به دادستان ارجاع می‌شود. ۲- وضعیتی که توسط شورای امنیت ملل متحد به دادستان ارجاع می‌شود و یا ۳- دادستان تحقیقات را در خصوص این جنایات ارتكابی به ابتکار خود و مطابق ماده ۱۵ شروع می‌کند.

اگر وضعیت توسط یک دولت عضو یا شورای امنیت ارجاع شود، بن ۱ ماده ۵۳ اساسنامه اصولاً تعهد شروع تحقیقات را به دادستان بار می‌کند و مقرر می‌دارد که دادستان تحقیقات را شروع خواهد کرد؛ مگر اینکه او تصمیم بگیرد که هیچ مبنای منطقی برای اقدامات طبق اساسنامه وجود ندارد. دادستان مطابق قاعده‌ی ۱۰۴ از قواعد دادرسی و ادله ملزم به ارزیابی اعتبار اطلاعات دریافتی و درخواست اطلاعات تکمیلی به این منظور می‌باشد. مطابق بند ۱ ماده ۵۳ دادستان در تصمیم‌گیری در خصوص شروع به انجام تحقیقات موارد زیر را باید در نظر بگیرد: ۱- آیا مبنای منطقی که جنایت مشمول صلاحیت دیوان ارتكاب یافته است یا در حال ارتكاب است، وجود دارد یا خیر؟ ۲- آیا وضعیت یا قضیه قابل پذیرش هست یا نه؟ ۳- آیا با در نظر گرفتن شدت جنایات و منافع بزه‌دیدگان، با این حال دلایل اساسی وجود دارد که تحقیقات می‌تواند به ضرر منافع عدالت باشد یا می‌تواند به نفع منافع عدالت نباشد؟

بنابراین، بند ۱ ماده ۵۳ چشم‌اندازی را ترسیم می‌کند که دادستان در خصوص وضعیت‌هایی که به وی ارجاع می‌شود، تحقیقات را انجام خواهد داد و در عین حال به دادستان اجازه می‌دهد در شرایط و اوضاع و احوال محدود مقرر در زیربندهای ۱ تا ۳ بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه اقدام به تحقیق نکند. در صورتی که دادستان مطابق بند ۱ ماده ۵۳ تصمیم به عدم شروع به تحقیقات بگیرد، تصمیم او الزاماً باید حسب مورد به اطلاع دولت ارجاع‌کننده، شورای امنیت یا شعبه پیش‌محاكمه برسد.

بند ۳ ماده ۵۳ اساسنامه کنترل قضایی بر تصمیم‌گیری دادستان در خصوص عدم انجام تحقیقات را پیش‌بینی کرده و هدف از آن تضمین انجام تحقیقات توسط دادستان می‌باشد. (ICC-02/17-2020; paras. 27-29). ماده ۱۵ اساسنامه تحت عنوان «دادستان» رویه‌ای را که دادستان به ابتکار خود و بدون ارجاع وضعیت، شروع به تحقیقات می‌کند، پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۵ با بیان اینکه دادستان می‌تواند تحقیقات را به اختیار خود شروع کند، اختیار صلاح‌دید وی را بیان می‌کند. اگر دادستان به این نتیجه برسد که مبنای منطقی برای اقدام وجود ندارد، بند ۶ ماده ۱۵ اساسنامه او را ملزم می‌کند که تصمیم خود را به اطلاع کسانی که اطلاعات در اختیار وی گذاشتند، برساند. آن‌ها ممکن است اطلاعات تکمیلی جهت بررسی مجدد دادستان تدارک ببینند؛ با این حال چهارچوب حقوقی جهت بازبینی قضایی نتیجه‌گیری دادستان در این خصوص پیش‌بینی نشده است. به نظر شعبه تجدیدنظر، این امر هم‌سو با ماهیت اختیارات اعطا شده به دادستان به موجب ماده ۱۵ اساسنامه هست. در واقع چنانچه دادستان درخواست صدور مجوز تحقیق نکرده باشد، هرگونه تحقیقی را که شعبه پیش‌محاکمه به دادسرا تحمیل کند، برخلاف این مفهوم است. شعبه تجدیدنظر اشاره می‌کند که به موقع تدوین اساسنامه طرح گزارش تصمیم عدم اقدام دادستان به شعبه پیش‌محاکمه جهت نظارت این شعبه، مطرح و رد شد. در واقع حق دول متعاقد و شورای امنیت به ارجاع وضعیت‌ها به دادستانی این خلاء را پر می‌کند. (ICC-02/17-2020; para. 31)

از نظر شعبه تجدیدنظر مضمون و جاگیری مواد ۱۵ و بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه این امر را روشن می‌کنند که این مندرجات از هم متمایز بوده و به شروع تحقیقات توسط دادستان در دو بستر متفاوت می‌پردازند. ماده ۱۵ اساسنامه بر شروع تحقیقات به ابتکار خود دادستان ناظر است؛ درحالی که بند ۱ ماده ۵۳ به وضعیت‌هایی مربوط می‌شود که توسط یک دولت عضو یا شورای امنیت به دادستان ارجاع می‌شوند. (ICC-02/17-2020; para. 33) شعبه تجدیدنظر تاکید می‌کند که ماده ۱۵ به منافع عدالت یا به ماده ۵۳ اساسنامه اشاره‌ای نمی‌کند. بند ۴ ماده ۱۵ اساسنامه از شعبه پیش‌محاکمه می‌خواهد که فقط تصمیم بگیرد که آیا مبنای منطقی برای اقدام به تحقیقات وجود دارد یا خیر و اینکه آیا این قضیه بنظر می‌رسد در داخل صلاحیت دیوان هست یا نه. در حالی که قاعده ۴۸ از قواعد دادرسی و ادله، دادستان را ملزم می‌کند که تمام عوامل مندرج در بند ۱ ماده ۵۳ اساسنامه از جمله منافع عدالت را در تصمیم‌گیری در خصوص درخواست مجوز تحقیقات به موجب بند ۳ ماده ۱۵ بررسی کند؛ ولی هیچ‌گونه قاعده مشابهی وجود ندارد که اجازه دهد شعبه پیش‌محاکمه نیز در تصمیم‌گیری خود این موارد را لحاظ کند. با توجه به اینکه قواعد دیوان پس از اساسنامه تدوین شده‌اند، اگر تدوین‌کنندگان قصد اعطای چنین اختیاری به شعبه

پیش‌محاكمه داشتند، قطعاً در این قواعد پیش‌بینی می‌کردند. بنابه مراتب فوق از نظر شعبه تجدیدنظر زیربندهای الف تا ج بند ۱ ماده ۵۳ اساس‌نامه در تصمیم‌گیری شعبه پیش‌محاكمه مدخلیتی ندارند. (ICC-02/17-2020; paras. 33-4) این تفسیر شعبه پیش‌محاكمه از مواد ۱۵ و ۵۳ که بخاطر عبارات مشابه همه‌ی عوامل مندرج در زیربندهای الف تا ج بند ۱ ماده ۵۳ باید بررسی شوند، موجب ابهام و اشتباه می‌شود. بنابراین، شعبه تجدیدنظر نتیجه می‌گیرد که عامل منافع عدالت - که در زیربند ج بند ۱ ماده ۵۳ اساس‌نامه مقرر شده است - درحالی که جزئی از بررسی دادستان به موجب بند ۳ ماده ۱۵ اساس‌نامه به نحوی که در قاعده ۴۸ از قواعد نیز مقرر شده است می‌باشد، ولی در تصمیم‌گیری شعبه پیش‌محاكمه به موجب بند ۴ ماده ۱۵ اساس‌نامه جایی ندارد. (ICC-02/17-2020; paras. 36-7)

شعبه تجدیدنظر به این نتیجه می‌رسد که شعبه پیش‌محاكمه در تصمیم‌گیری درخصوص اینکه تحقیقات در وضعیت افغانستان در این مرحله به نفع عدالت نیست، اشتباه کرده است. شعبه پیش‌محاكمه در تصمیم‌گیری بر اساس بند ۴ ماده ۱۵ اساس‌نامه فقط باید به این مسئله بپردازد که آیا مبنای موضوعی منطقی وجود دارد که دادستان اقدام به تحقیقات کند؟ بدان معنا که آیا جانیاتی که مشمول صلاحیت دیوان هستند ارتکاب یافته‌اند و آیا قضایای بالقوه‌ای که از این تحقیقات ناشی می‌شوند در چهارچوب صلاحیت دیوان هستند یا خیر؟ (- ICC-02/17-2020; para. 46)

از نظر شعبه تجدیدنظر ایراد دوم دادستان نسبت به تصمیم‌گیری شعبه پیش‌محاكمه دایر بر سوءاستفاده از صلاحیت این شعبه درخصوص عدم مطالبه اطلاعات تکمیلی از دادستان و درک نادرست از عواملی که در تصمیم‌گیری مدنظر قرار داد، بنا به استدلال فوق کلاً منتفی است. با این حال نظر به اینکه مفهوم منافع عدالت در شعب بدوی و در جوامع علمی بحث‌های زیادی را برانگیخته، شعبه تجدیدنظر به چند نکته در این زمینه اشاره می‌کند: اول اینکه منافع عدالت جنبه‌ی سلبی دارد نه ایجابی؛ یعنی دادستان در مقام رسیدگی به این نتیجه برسد که انجام تحقیقات به نفع عدالت نیست و نیاز ندارد به نحو مثبتی احراز کند که به نفع عدالت هست. دوم اینکه ارزیابی شعبه پیش‌محاكمه و استدلال آن در نتیجه‌گیری خود عجولانه و مبتنی بر حدس و گمان بوده و به اطلاعاتی که قابل اتکا باشد، متوسل نشده است. سوم اینکه شعبه پیش‌محاكمه در ارزیابی خود به شدت جنایات و منافع بزه‌دیدگان، به نحوی که توسط خود بزه‌دیدگان ابراز شده، توجه نکرده است. با این اوضاع و احوال شعبه تجدیدنظر معتقد است که شعبه پیش‌محاكمه، ارزیابی خود را نیز به درستی انجام نداده است. (ICC-02/17-2020; paras. 48-9) با این اوصاف،

شعبه تجدیدنظر نه برداشت شعبه پیش محاکمه از مفهوم و کاربرد منافع عدالت را صحیح دانست و نه شعبه پیش محاکمه را صالح و مجاز جهت ورود به این مطلب دانست.

نتیجه‌گیری

با مطالعه اساس نامه و اسناد مذاکرات مربوط به تدوین اساس نامه همچنین سیاست دادستانی که در سال ۲۰۰۷ تدوین شده و دادنامه‌های صادره از سوی شعب پیش محاکمه و تجدیدنظر از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ می‌توان فهمید که در احراز مفهوم «منافع عدالت» باید به منافع بزه‌دیدگان، شدت جنایات ارتكابی و وضعیت متهم توجه داشت. شعبه تجدیدنظر نشان داد که منافع بزه‌دیدگان تا حد قابل توجهی توسط خود بزه‌دیدگان و نمایندگان آنان مطرح می‌شود و دید قییم مآبانه‌ی شعبه پیش محاکمه را در این خصوص نپذیرفت. مفهوم منافع عدالت امری سلبی است نه ایجابی، یعنی وجود منافع عدالت نباید در هر مورد اثبات شود؛ بلکه در صورت وجود دلایلی که با تحقیق و تعقیب منافع عدالت به خطر می‌افتد، کارکرد این مفهوم مصداق پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اصل بر این است که با تعقیب و تحقیق، منافع عدالت تامین می‌شود؛ مگر اینکه استثنائاً بر خلاف این امر باشد که این وضعیت استثنایی باید محرز و مسلم باشد. عملاً می‌توان بین نظر شعبه پیش محاکمه و تجدیدنظر دو دیدگاه کاملاً متفاوت را مشاهده کرد. دیدگاه اول به نتیجه و غایت کار، از چشم‌انداز تا حدودی فراحقوقی می‌نگرد؛ بدین مفهوم که آیا امکان اجرای عدالت در خصوص افراد صاحب قدرت وجود دارد یا خیر؟ که اگر نتیجه مثبتی حاصل نمی‌شود، نباید اقدام به تحقیق و تعقیب نمود. ولی دیدگاه شعبه تجدیدنظر مبتنی بر این است که عدالت باید در خصوص همگی اجرا شود، یا گام‌های لازم برای اجرای آن برداشته شود؛ هرچند که به نتیجه منجر نشود. مصلحت‌گرایی اصولاً خارج از ضابطه و قواعد حقوقی است و مغایر با ضابطه‌مندی می‌باشد. شعبه پیش محاکمه در جهت مصلحت‌گرایی قدم برداشته بود که با انتقادات شدیدی مواجه شد و خوشبختانه شعبه تجدیدنظر آن را اصلاح کرد.

از سوی دیگر علی‌رغم اینکه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ در پنج مورد که شعب پیش محاکمه با ترکیب‌های مختلف در خصوص صدور مجوز تحقیق یا عدم صدور آن رای صادر کرده‌اند، همواره در کنار ماده ۱۵ به ماده ۵۳ و بحث منافع عدالت نیز کم و بیش وارد شده‌اند، ولی دادگاه تجدیدنظر این امر را مغایر با مفاد اساس نامه و مفاد صورت جلسات تدوین اساس نامه دانست. شاید در نگاه اول اینگونه به نظر برسد که عدم جواز شعبه پیش محاکمه بر ورود به بحث منافع عدالت، موجب عدم نظارت قضایی بر کار دادستان شده و نهایتاً منجر به خودکامگی دادستان شود. ولی اولاً همانطور که شعبه تجدیدنظر تصریح نموده است، این امر در اساس نامه و قواعد دادرسی و ادله دیوان پیش‌بینی

نشده است؛ ثانیاً این امر مانع از نظارت قضایی بر کار دادسرا نیست؛ زیرا صرف جواز انجام تحقیقات موجب سوءاستفاده خاصی نمی‌شود. دادسرا برای حتی صدور حکم جلب یا صدور کیفرخواست مستقلاً اختیاری ندارد؛ بلکه مواردی از قبیل صدور جلب اشخاص را باید از شعبه پیش‌محاکمه درخواست کند و در صورتی که نظر بر مجرمیت متهم یا متهمین داشته باشد، ابتدا مورد در شعبه پیش‌محاکمه بررسی و جلسه‌ای جهت تایید یا رد اتهامات برگزار می‌شود. در صورت تایید اتهامات پرونده جهت رسیدگی به شعبه رسیدگی (شعبه محاکمه یا بدوی) ارسال می‌شود و در صورت محکومیت در این شعبه، باز هم امکان تجدیدنظرخواهی و ارسال پرونده به شعبه تجدیدنظر وجود دارد. ثالثاً، در مواردی که یک دولت عضو یا شورای امنیت وضعیتی را به دادستان ارجاع می‌دهند، مطابق زیر بندالف بند ۳ ماده ۵۳ می‌توانند به تصمیم منع پیگرد دادستان اعتراض کنند و حتی در موردی که دادستان به خاطر عدم تامین منافع عدالت تصمیم به عدم پیگیری می‌گیرد، مطابق زیربند ب بند ۳ ماده ۵۳ می‌تواند در این تصمیم دادستان بازنگری کند. بنابراین، فقط در موردی که دادستان تحقیق را برخلاف منافع عدالت نمی‌داند، قابل بازنگری توسط شعبه پیش‌محاکمه نیست ولی حتی وقتی تصمیم به عدم پیگیری می‌گیرد قابل بازنگری هست. لذا این امر نباید موجب نگرانی از حیث عدم نظارت قضایی یا تضعیف نظارت قضایی بر کار دادستان باشد. پرونده مربوط به وضعیت افغانستان از جهت اینکه نیروهای نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا را درگیر می‌کند و متضمن تعقیب کیفری افراد صاحب قدرت است، در نوع خود بی‌نظیر و جسورانه می‌باشد. انتظار می‌رود مقاومت‌های زیادی در این راه صورت گیرد و آرزوی جامعه حقوقی این است که این امر به نتیجه مطلوب برسد.

منابع

- امامیان، معصومه و ستار عزیزی (۱۳۹۷)، «چالش حقوقی اجرای قاعده عدم مصونیت سران دولتها نزد دیوان کیفری بین‌المللی: با تاکید بر پرونده عمرالبشیر»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال ۹ ش ۱۸، ص ۱۰۲-۸۱.
- بابایی، علی حسن، احمدرضا توحیدی و محمود قیوم‌زاده (۱۳۹۹)، «ارزیابی قاعده شدت کافی در رویه دیوان کیفری بین‌المللی» **مطالعات حقوقی**، دوره دوازدهم، شماره اول، ص ۶۹-۳۷.
- خالقی، علی و امیرمسعود مظاهری (۱۳۹۱)، «عدم تمایل دولت به رسیدگی: یکی از مبانی قابلیت پذیرش موضوع در دیوان کیفری بین‌المللی»، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳، ص ۱۷۶-۱۵۹.

- زکری، مهدی و کوروش بابایی (۱۳۹۴)، **وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی**، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۷)، «دیوان کیفری بین‌المللی و صدور قرار جلب عمرالبشیر»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۱۴، دوره ۲، ص ۴۷-۱۳.
- زمانی، قاسم و اسماعیل یعقوبی (۱۳۹۸)، «اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری: همکاری و حمایت نهادین»، **مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، دوره ۷، شماره ۱۳، ص ۳۱-۵.
- ساعدی، زهرا و آزاده صادقی (۱۳۹۷)، «بررسی مفهوم منافع عدالت در تعقیب جرائم در دیوان کیفری بین‌المللی؛ با نگاهی بر سایر نظام‌های حقوقی» **تحقیقات حقوقی معاهده**، دوره ۲، پیاپی ۴، ص ۳۹۸-۳۶۷.
- سبحانی، مهین (۱۳۹۶)، «ساز و کارهای کارآمد و مشروع عدالت انتقالی»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال هشتم، شماره اول، شماره پیاپی ۱۵، ص ۱۰۹-۸۵.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۷)، **چکیده حقوق جزایی عمومی**، چاپ نهم، انتشارات جنگل، جاودانه.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۸)، «عوامل تشدید مجازات در آرای دیوان بین‌المللی کیفری»، **آموزه‌های حقوق کیفری**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره شانزدهم، شماره ۱۸، ص ۱۹۸-۱۶۹.
- شبث، ویلیام ا. (۱۳۸۴)، **مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی**، ترجمه سید باقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری، تهران: انتشارات مجد.
- صابر، محمود و آزاده صادقی (۱۳۹۴)، «بررسی معیار آستانه شدت برای تعقیب جنایات در دیوان کیفری بین‌المللی؛ با نگاهی بر دیگر دادگاه‌های بین‌المللی»، **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۶، شماره ۲، ص ۶۵۰-۶۲۷.
- کیتیچایساری، کریانگ (۱۳۸۷)، **حقوق کیفری بین‌المللی**، ترجمه حسین آقای جنت‌مکان، تهران: انتشارات جنگل.
- Ambos, Kai (2019), "Interests of Justice? The ICC urgently needs reforms", Blog of the European Journal of International Law, June 11, 2019, available at: <https://www.ejiltalk.org/interests-of-justice-the-icc-urgently-needs-reforms/>
- Bergsmo, M., P. Kruger, and O. Bekou, in 'Article 53' in O. Triffterer and K. Ambos (ed.), *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary* (Beck et al., 3rd ed., 2015), pp. 1366-1368;

- Bergsmo, M., J. Pejić, and D. Zhu, 'Article 15' in O. Triffterer and K. Ambos (ed.), *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary* (Beck et al., 3rd ed., 2015), pp. 726-729;
- Bolton, John, "We Will Let The I.C.C Die: Bolton Threatens International Court", *New York Times* September 10, 2018, available at: <https://www.nytimes.com/video/us/politics/100000006097156/bolton-icc-sanctions.html?searchResultPosition>, last accessed on 11Feb, 2020;
- Dukic, Dražan (2007), "Transitional Justice and the International Criminal Court-In the Interest of Justice" , *International Review of the Red Cross*, Vol.89 , No.887, September, p. 691-718;
- Gavron, Jessica (2002), "Amnesties In the Light of Developments In International Law and the Establishment of the International Criminal Court", *The International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 51, No. 1, p. 91-117;
- ICC-02/17, 12 April (2019), decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the authorization of an investigation into the situation in the Islamic Republic of Afghanistan,
- ICC-01/09-19-Corr, 31 March (2010), Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya, ,
- Judgement on the appeal against the decision on the authorization of an investigation into the situation in the Islamic Republic of Afghanistan, ICC-02/17-138 05-03-2020 NM PT OA4
- ICC-02/11-14-Corr, Situation in the Republic of Côte d'Ivoire, Pre-Trial Chamber III, Corrigendum to "Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorisation of an Investigation into the Situation in the Republic of Côte d'Ivoire", 15 November 2011, ,
- ICC-01/15-12, 27 January (2016), Situation in Georgia, Pre-Trial Chamber I, Decision on the Prosecutor's request for authorization of an investigation,
- ICC-01/17-9-Red (2017), Situation in the Republic of Burundi, Pre-Trial Chamber III, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Burundi, ICC-01/17-X-9-US-Exp, 25 October 2017; a public redacted version was registered on 9 November 2017);
- ICC-01/19-27, 14 November (2019), Situation in the People's Republic of Bangladesh/Republic of the Union of Myanmar, Pre-Trial Chamber III, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorisation of an Investigation into the Situation in the People's Republic of Bangladesh/Republic of the Union of Myanmar,
- ICC-02/17-74, 30 September (2019), Prosecution Appeal Brief, (the 'Prosecutor's Appeal Brief)



- ICC-02/17-7-Red, Prosecutor's request for authorization of an investigation pursuant to article 15, ICC-02/17-7-Conf-Exp (public redacted version registered on the same day,)
- Kayitana, Evode (2018), "Domestic Amnesty for International Crimes and the ICC Prosecutor: When to Exercise Restraint in the Interests of Justice", 9 Nnamdi Azikiwe U. J. Int'l L. & Juris. 177, Content Downloaded from HeinOnline;
- Marlise, Simons and Megan Specia, U.S Revokes Visa of I.C.C Prosecutor Pursuing Afghan War Crimes, New York Times, April 5, 2019, <https://www.nytimes.com/2019/04/05/world/europe/us-icc-prosecutor-afghanistan.html>
- Peltier, Elian and Fatima Faizi, The New York Times, I.C.C Allows Afghanistan War Crimes Inquiry to Proceed, Angering U.S., March 5, 2020;
- Report of the Secretary general on the Rule of Law and Transitional Justice, 23rd August, 2004, S/2004/616;
- The Office of the Prosecutor (2007), International Criminal Court, Policy Paper on the Interests of Justice, September 2007,
- Vasiliev, Sergey (2019), "Not just another 'crisis': Could the blocking of the Afghanistan investigation spell the end of the ICC?" (Part II), Blog of the European Journal of International Law, April 20, 2019, <https://www.ejiltalk.org/not-just-another-crisis-could-the-blocking-of-the-afghanistan-investigation-spell-the-end-of-the-icc>.
- Webb, Philippa (2005), The ICC Prosecutor's Discretion Not to Proceed in the Interests of Justice, 50 Crim. L.Q. pp. 305-348, Content Downloaded from HeinOnline.